

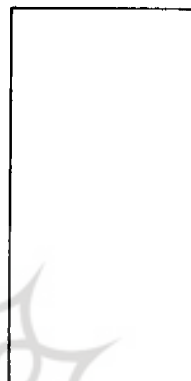
میز گرد

مسأله الحاق ایران به گات

● تهیه کننده: مرضیه طاهری کارشناس ارشد اقتصاد توسعه

● اشاره:

آنچه در ذیل می‌آید گزارش اولین میزگرد "تبعات الحاق ایران به گات" است که در بیست و هفتم دی ماه سالجاری از طرف فارغ التحصیلان رشته اقتصاد در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده اقتصاد، معاون وزیر معادن و فلزات و مدیرکل اتاق بازرگانی به عنوان موافق پیوستن ایران به گات و آقای مؤمنی استاد دانشگاه به عنوان مخالف و آقایان دکتر شاه‌رکنی استاد دانشگاه و دکتر شرکاء رئیس دانشگاه اقتصاد نیز به عنوان ارزیاب اداره جلسه را به عهده داشتند.



دکتر شرکاء:

تعدادی از کشورها، قرارداد عمومی تعرفه و تجارت یا گات را امضاء کردند، با این هدف عمده که تسهیلاتی برای تجارت در سطح جهانی فراهم کنند. از این رو دوره‌های متعددی تشکیل شده‌است. هشتمین دور که حدود هفت سال در ارگونه به طول انجامید، منجر به تشکیل سازمانی به نام سازمان تجارت جهانی شد. تا به حال، ۱۲۵ کشور عضو این سازمان شده‌اند و بعضی نیز در صف طویل انتظار، برای پیوستن به این سازمان هستند (مثل چین). بعضی کشورها نیز مانند ایران، در پی مطالعات بیشتر برای پیوستن یا نپیوستن به این سازمان می‌باشند. ضرورت داشت، در ارتباط با این قضیه که از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند، آینده اقتصاد کشور را هم به جهت پیوستن و هم برای نپیوستن به چنین سازمانی، تحت تأثیر قرار دهد، میزگردی تشکیل شود تا نظرات صاحب‌نظران این فن در آن مطرح شود. تلاش بر این است که ترکیب جمع بر اساس موافق و مخالف باشد. در ابتدا لازم است، نظرات مخالفین و موافقین بیان شود، سپس حضار

محترم با طرح سوالات، در بحث شرکت نمایند.

از آقای دکتر شاه‌رکنی، خواهش می‌کنیم در آغاز بحث تاریخچه این سازمان را مطرح نمایند و سپس نظرات خود را در این زمینه بفرمایند.

دکتر شاه‌رکنی:

به نظر من در این مقطع خاص از اقتصاد کشور، نمی‌توان قبل از آن که یک سری مطالعات کمی و کارشناسانه صورت بگیرد؛ به طور قاطع مشخص کرد که آیا در کل، پیوستن ایران به گات به نفع این کشور است یا به ضرر آن؟

گات یا گت، یکی از شاخه‌های سازمان تجارت جهانی است. از سال ۱۹۴۷ به دنبال پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه یافته، با مشکلاتی مواجه شدند که در این راستا، به فکر بازسازی کشورهای خود و استفاده از امکانات کشورهای دیگر افتادند. ابتدا ۲۳ یا ۲۴ کشور، طی نشستهایی در ژنو، هسته اولیه گات را تشکیل دادند و سپس دور بعدی و دورهای بعدی. تا این زمان، هشت دور از مذاکرات مربوط به گات

تشکیل شده است که آخرین دور، معروف به دور اروگوئه، در حدود ۷ سال طول کشید و در دسامبر ۱۹۹۴، به نتیجه نهایی رسید. در این دور بود که سازمان تجارت جهانی (W.T.O) شکل گرفت. از آوریل ۱۹۹۵ یعنی کمتر از یکسال قبل، که این سازمان تشکیل شده است، مانند دیگر سازمانهای جهانی (سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول)، عهده دار تجارت بین الملل می باشد. در دور آخر، که بیشترین مطالعات را انجام داده است، تصمیماتی برای اضافه کردن بخش خدمات به سازمان گرفته شد. بخشهای جدیدی مانند: بیمه، بانکداری، حمل و نقل، کشاورزی، منسوجات و پوشاک و... بخشهای جدیدی است که به دنبال دور اروگوئه وارد مذاکرات شد.

در ارتباط با هدف یا اهداف اصلی گات، باید گفت که مرزهای تجاری بین کشورهای مختلف برداشته می شود و به تدریج، کشورها دیوارهای حمایتی را کوتاه می کنند. نقش تجارت بین الملل و تجارت جهانی به شکلی است که رشد تجارت جهانی، بیش از رشد تولید کشورهاست. پیش بینی می شود در دهه های که در پیش است، یعنی تا سال ۲۰۰۵، با تشکیل (W.T.O)، این رشد تجارت سریعتر و گسترده تر گردد، در واقع نقش گات برای به تحرک در آوردن تجارت تسریع مبادلات بین کشورها، اساسی تر خواهد شد.

در حال حاضر، بالغ بر ۱۲۴ کشور، در گات عضویت دارند و عضویت ۲۰ کشور نیز، در حال بررسی است. "چین" کشوری است که حدود ۱۰ سال است که تقاضایش برای عضویت در گات مطرح و در حال بررسی است و همچنین روسیه. چند کشور هم به عنوان عضو ناظر در گات عضویت دارند، که ایران از آن جمله است. از زمانیکه سازمان تجارت جهانی شکل گرفته است وظیفه آن نظارت بر تمام جنبه های تجارت بین المللی اعم از کالایی و غیر کالایی و مرجعی برای رسیدگی به حل اختلافات در ارتباط با تجارت بین کشورها،... بوده است.

از دیگر وظایف این سازمان، نظارت بر کلیه

موافقتنامه ها، تفاهم نامه ها و تصمیماتی است که در مذاکرات دور اروگوئه و کلاً نظام تجاری چند جانبه صورت گرفته است. که این وظیفه اصلی سازمان تجارت جهانی خواهد بود.

آقای مؤمنی :

به نظر من عرصه تجارت خارجی، هم به لحاظ تئوریک و هم به لحاظ شواهد تجربی موجود، در زمره غنی ترین عرصه های دانش اقتصاد است. بنابراین، با تکیه بر آنها و با ضوابط علمی که در اختیار می باشد، می توان با ضوابط عالمانه، روندهای کلی را پیش بینی کرد.

مسئله مهمی که مطرح شد، این است که آیا آن طور که تا کنون در محافل فکری و مطبوعاتی طرح شده، هر مقام بین المللی مانند گات، دارای محاسن و معایب ذاتی است یا خیر؟ حسن و قبح پیوستن یا نپیوستن به گات یا هر نهاد بین المللی، مشروط و منوط به یک مجموعه شرایط و فرضیات می باشد. از بیانات دکتر شاه رکنی این طور استنباط می شود، که تحت شرایطی، پیوستن به نهادهای اقتصادی بین المللی بخصوص گات، می تواند برای کشوری سودمند و مفید باشد و تحت شرایط دیگر، می تواند برای همین کشور، حاوی ضررهایی بیش از محاسن احتمالی اش باشد. اما این به آن معنا نیست که گات حسن و قبح ذاتی دارد؛ بلکه، می توان گفت: که شرایط کنونی ایران، قابلیت های کافی برای بهره برداری از محاسن احتمالی پیوستن به گات را در اختیار قرار نمی دهد. بر اساس مجموعه مطالعاتی که حداقل نیم قرن از آن می گذرد و مطابق نظر نظریه پردازانی که برای اولین بار، در این زمینه یک کار عمیق و ارزشمند کردند و به خاطر آن جایزه نوبل اقتصادی را دریافت کردند، مادامی که یک مجموعه از تواناییها در عرصه اقتصاد ملی ایجاد نشده باشد، مواجهه این اقتصاد با اقتصادهای قویتر از خود، به زیان آن تمام خواهد شد. این چیزی است که جناب سینگر و پریش، در اواسط دهه ۴۰ میلادی، مطالعات بسیار گسترده ای در آن انجام دادند.

مطالعات پریش و سینگر نشان داد که از زمان

انقلاب صنعتی به بعد، روند رابطه مبادله برای کشورهای که دستاوردهای انقلاب صنعتی را در جامعه خود درونی نکرده بودند، نزولی بوده است. و از آن مهتمتر این که، هر دو پیش بینی کردند تا زمانی که این شرایط برای کشورهای توسعه نیافته یا کشورهای که نسبت به رقبای خود در مبادلات بین المللی ناتوانتر هستند، برقرار باشد، این رابطه شتاب نزولی بیشتری خواهد داشت. بسیاری از نظریه پردازان دیگر هم، با بیانها و قالبهای تئوریک، بر این نکته تأکید کرده اند که در عرصه رقابت آزاد بین المللی، قوی ترها سود می برند و ضعیف ترها زیان می بینند. به همان نسبت که شکاف بین قوی و ضعیف بیشتر باشد سودمندی این تجارت (تجارت در شرایط نابرابر) برای قوی ترها بیشتر از ضرری است که برای ضعیف ترها در بر دارد. در این راستا باید چند دسته تحلیل مشخص صورت بگیرد تا بتوان در باره سودمندی یا زیان نهایی پیوستن به این سازمان ارزیابی و داوری کرد.

نکته اول عبارت است از: شناخت ماهیت سازمانهای بین المللی که یکی از آنها گات است (این که این شناخت، با تکیه بر چه موازینی به دست خواهد آمد، با تفسیر بیشتر در آینده توضیح داده می شود).

بهر حال، ما باید بدانیم به طور دقیق با چه نهادی روبرو هستیم و چه تواناییها و محدودیتهایی در این نهاد وجود دارد.

نکته دوم خودشناسی است. این که گفته شد سودمندی یا زیان عضویت یا عدم عضویت، مشروط به شرایطی است؛ باید دید که با چه شرایطی می توان وارد شد و از این ورود چه انتظارتی هست؟

در میان آرای کسانی که موافق با عضویت ایران در گات می باشند نوعی یأس از خود مشاهده می شود، به همین لحاظ، توصیه می شود که از طریق "خود را در اختیار دیگران قرار دادن" و با توجه به فشارها و الزامهای آنها، روندها را تصحیح کرد، که باید، به تفصیل در باره آن بحث کرد.

به هر حال، مسأله پیوستن یا نپیوستن به گات، در

سایه گروه‌های متعددی از معرفتها قابل ارزیابی است. یعنی هم با نگاه تاریخی، سیاسی، حقوقی و هم به لحاظ تئوریک، می‌توان به داوری درباره این قضیه نشست که در تحلیلهای متعدد، ابعاد گوناگون آن مشخص می‌شود و در نهایت به یک نتیجه‌گیری واحد منجر خواهد شد.

دکتر بهکیش :

به نظر من نیز، مسأله گات را مانند هر مسأله اقتصادی - اجتماعی دیگر، می‌توان از دیدگاههای مختلف بررسی کرد. من بر اساس الگوی اقتصادی در نظر می‌گیرم: اقتصادی که بیشتر بر اساس درآمدهای نفت، در طی ۵۰ سال گذشته، شکل گرفته و از سال ۸۳ به این طرف به شدت اقتصاد کشور را تحت تأثیر درآمدهای خارج از سیستم عادی تولید کشور قرار داده‌است، با این تعبیر، ما بیشتر مصرف‌کننده بوده‌ایم و درآمد، جای دیگری تولید می‌شده‌است و تمام سازمانهای کشوری دست اندرکار توزیع این درآمد بوده‌اند؛ که به چه ترتیب توزیع شود. در برنامه چهارم و پنجم توسعه قبل از انقلاب، که در آن زمان نظام صنعتی کشور تقریباً شکل گرفته، الگو این چنین بوده است که با درآمدی به نام دلارهای نفتی، صنایعی درست شود که به جای واردات کالا، خود مقداری از آن را تولید کند. این صنایع، بر اساس مزیت‌های اقتصادی تولیدی کشور، شکل نگرفته‌است، بلکه اجازه تأسیس و صدور مجوز اصولی به این معنا بوده‌است که ارز به آن تعلق می‌گرفت و این برای سرمایه‌گذار سودآور بود. اما از نظر اقتصادی، اگر دلارهای نفتی نبود، بسیاری از صنایع توجیه اقتصادی نداشتند.

امروز، این ترکیب صنعت، به شدت تحت تأثیر شرایط نوین قرار گرفته‌است، دیگر درآمدهای ارزی به آن ترتیب وجود ندارد. قدرت خرید دلار ۱۰ تا ۱۵ درصد خرید دلارهای نفتی آن زمان می‌باشد.

اوایل انقلاب ۳۵ میلیون جمعیت با ۲۴ میلیارد دلار درآمد و اکنون ۶۳ میلیون با ۱۳ تا ۱۴ میلیارد دلار زندگی می‌کنند. اگر "inflation" یا تورم بین‌المللی را حدود ۳ درصد فرض کنیم، پنجاه درصد آن باز هم کم می‌شود. در آن زمان، ۳ مارک یک دلار بود حالا ۱/۴ مارک برابر یک دلار است. سیصدین زاین، برابر با یک دلار بود و امروز صدین زاین، برابر با یک

دلار است. پس می‌توان گفت: در حال حاضر، به طور سرانه، حدود ده تا پانزده درصد از قدرت خرید آن زمان را از محل درآمد نفت داریم. اینجاست که دیگر، دلاری نیست که به صنعت داده شود و تمام آن ساختار صنعت، تحت فشار قرار می‌گیرد. پس باید از طریق صادرات غیر نفتی، درآمد ارزی ایجاد کرد.

برای این که کشور، صادرات غیر نفتی داشته باشد، برای ایجاد رقابت، به بازار و نفوذ در آن، نیاز دارد. البته چون خیلی از صنایع ما، توان رقابت ندارند (چرا که ساختاری که در صنایع کشور ایجاد شده، ساختار جایگزین کردن و مصرف، متفاوت با ساختار صادرکردن می‌باشد) به این لحاظ، باید از صنایعی شروع کرد که بتوانند صادر کنند. صنایع غذایی کشور، این مزیت را دارند؛ رب گوجه‌فرنگی که تا پنج سال پیش ارزش نداشت، اکنون یکی از منابع با اهمیت درآمد، برای کشور شده‌است. در محدوده توافقات دور اروگوئه، کالاهای کشاورزی در پیمان گات وارد شده‌است و تا سال ۲۰۰۵ کاملاً اجرا خواهد شد.

اعضای گات، تعرفه ترجیحی دارند، ولی از کسانی که عضو نیستند، هفت تا پانزده درصد، تعرفه گرفته می‌شود، تا وارد بازار شوند.

در جلسه‌ای که وزارت بازرگانی، چند کارشناس هندی را دعوت کرده بودند. (هندها از همان اوایل تشکیل گات در آن عضو شده‌اند) یکی از این افراد، مدیر کل بازرگانی و مسؤول مذاکرات هند در گات نیز بود. بحث گات که مطرح شد وی اظهار داشت که به جای بحث کردن به این مسأله بپردازید که چه چیز را می‌خواهید صادر کنید. مطرح شد فولاد. پرسید: می‌خواهید به کدام بازار صادر کنید؟ چین به عنوان یکی از بازارهای فولاد مطرح شد. گفت: به دلیل این که چین، هنوز عضو گات نشده‌است، در شرایط حاضر مشکلی نخواهید داشت. اما، در سالهای بعد مشکل پیدا خواهید کرد و چنین ادامه داد: بحث پیوستن یا پیوستن در این است که آیا می‌خواهید، صادرات داشته باشد یا خیر؟ اگر بخواهید، چه کالاهایی و به کدام بازار؟ آیا برای ورود به بازار مشکل ندارید؟ اگر مشکلی وجود دارد، حتماً باید ببینید و اگر کالایی است که در بازار مشکلی ندارد، بحث گات مطرح نمی‌شود. (هند ۵۰ سال است که عضو گات است و راه

خود را به تمام بازارهای جهانی باز کرده‌است و در ضمن از تمام شرطهای فراری (scape cross) استفاده کرده، که این شروط در ماده ۱۸ و بندهای الف، ب و ج ملحوظ شده‌است)

در یک جمع‌بندی، می‌توان گفت: تأثیر هر یک دلار صادرات در زندگی و اقتصاد کشور، بسیار با اهمیت است. برای ورود به بازارها باید توافقاتی انجام شود، که در شرایط حاضر "توافق عمومی گات" است. پس این اجبار وجود دارد که باید، وارد این مجموعه شد وگرنه، بازاری وجود نخواهد داشت و اگر هم باشد، بازارهای محدودی با ده تا پانزده درصد اختلاف، با آنها باید رقابت کنیم، یعنی ده درصد تعرفه بدهیم. در مورد فولاد، برآورد شد که اگر عضو گات نباشیم، باید چیزی در حدود هفت تا ده درصد تعرفه بیشتر بدهیم. چون در سطح بین‌المللی، رقابتها در حد دو یا پنج درصد است، اختلافهای ده درصدی، باید بسیار مهم باشد. در ایران زمانی تعرفه‌ها ۵۰۰ درصد بود، در آن شرایط، ارز هفت تومان بود. حالانیز کم و بیش تعرفه‌های ۲۰ تا ۲۵ درصد وجود دارد، که این اختلاف تعرفه با دیگر کشورها، ورود کشور ما را به بازارهای جهانی با مشکلات جدی مواجه می‌کند.

حال باید ارزیابی کرد: صادر نکنیم و سطح زندگی‌مان را کاهش دهیم یا این که جلوی مشکلات را بگیریم. به نظر من ضرورت دارد وارد این مجموعه شویم.

دکتر شاه‌رکنی :

مطرح شد برای این که بتوان تصمیم درستی گرفت، مسأله را باید از جنبه‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مورد ارزیابی قرار دهیم. انتظار حصار نیز همین است، که صاحب‌نظران این بحث، از جنبه‌های مختلف آنرا مورد بررسی قرار دهند اگر از بعد اقتصادی مسأله پیوستن یا نپیوستن ایران را به گات مورد بررسی قرار دهیم، می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند، تا تصویری از اقتصاد ایران در قبل و بعد از انقلاب و در سالهای پنجاه که به سالهای نفتی معروف است و حرکت‌هایی که بعد از انقلاب، در جهت تغییر ساختار اقتصادی کشور، صورت گرفته را داشته باشیم. با توجه به محدودیت درآمدهای نفتی که اشاره شد و ضرورت برداختن به صادرات غیرنفتی و

در آن وجود داشته باشد، بتوان از فرصتهایی که در اختیار قرار می‌گیرد، استفاده کرد.

همانطور که قبلاً نیز گفته شد، گریزی نیست و باید به سمت صادرات رفت. اما بحثی که در اینجا پیش می‌آید، این است که تا زمانی که مشکلات کشور حل نشده‌اند و ایران به سطح متعارفی از تواناییها، در عرضه علوم و تکنولوژی دست نیافته است. در چنین شرایطی ادغام در نظام اقتصاد بین‌المللی برای کشور نمی‌تواند، در بر دارنده منافع خاصی باشد.

در اینجا بهتر است که از موضع کلان به مسأله نگاه کنیم و بررسی نماییم که آیا به اعتبار دستاوردهایی که در این موارد جزئی و معین در اختیار ایران قرار می‌گیرد، هزینه‌هایی که بر کشور تحمیل می‌شود، قابل محاسبه است یا خیر؟ بخشی از مشکلات حادی که در مورد آهن، فولاد... وجود دارد، نشان دهنده این است که اگر بخواهیم به فعالیتهای توسعه‌ای و زیربنایی بیندیشیم، حداقل تا ۲۰ سال دیگر نیز، کل تولیدات کشور در این زمینه‌ها نمی‌تواند، پاسخگوی نیازهای داخلی کشور باشد. در جامعه‌ای با این سطح از توانایی یا نگرش جزئی و خرد، برای تصمیم‌گیری نهایی، در این مسأله نمی‌توان به یک جمع‌بندی روشن و متین، دست پیدا کرد.

تجربیات پنج، شش ساله گذشته و فرصتی که به لحاظ فروپاشی بلوک شرق، نصیب ایران شد، نشان داد که به علت عدم تکافوی تواناییهای کشور، می‌رفت که به ضد خودش تبدیل شود. برای همین دولت مجبور شد، با یک سمت‌گیری امرانه و اعمال کنترل‌های شدید، جلو پیامدهای منفی آن را بگیرد. می‌توان گفت که در هیچ شرایط تاریخی، مشتریانی به خوبی مشتریان جمهوریهایی تازه استقلال یافته شوروی نداشته‌ایم. اما زمانی که میزان تقاضای آنها برای کالاهای متعارف صادراتی ایران از یک حد خاص فراتر می‌رفت. برای این که کالاهای بیشتری از ایران خارج نکنند، ورودشان به ایران ممنوع شد.

تا زمانی که وضعیت ساختارهای تولیدی ایران، به شکل فعلی است؛ مثل ساختار تولید کشاورزی که بیشتر بر اساس الگوهای سنتی تولید استوار است یا در صنایع، تا زمانی که صنایع همان وضعیت گذشته را دارند؛ ایران نخواهد توانست از طریق سمت‌گیریهای



وابستگی هم، در چهارچوب الگوی سنتی استعماری تقسیم‌کار بین‌المللی بوده است و هم در جهت‌گیریهایی که در مورد صنایع، مطرح شد. در واقع، این سوگیریها معطوف به ادغام در نظام بین‌المللی در چهار چوب یک شرایط نابرابر بود. بنابراین، اگر این آزموده تاریخی را، یک بار دیگر بیازماییم، با تکیه بر شواهد تجربی و هم بر اساس بنیانهای تئوریک، می‌توان نشان داد، که آنچه پیش خواهد آمد، بسیار سنگین‌تر و پرهزینه‌تر و غیرقابل جبرانتر از وضعیتی که در آن بسر می‌بریم، خواهد بود.

مسأله‌ای که باید در نظر گرفت، این است که، فرصتهایی را که گات در اختیار ایران قرار می‌دهد، مورد توجه قرار دهیم. این طور نبوده است که کشورهای توسعه نیافته، قبلاً چنین امتیازاتی را نداشته‌اند (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به مفاد کنوانسیون لومه و همینطور به سیستم G.S.P (جی. اس. پی) سیستم اولویت‌های تعمیم یافته) در این دو گروه، موافقتنامه‌های بین‌المللی که بعد از جنگ دوم جهانی بوجود آمده، برای کشورهای توسعه نیافته، یک فرصت دستیابی بدون قید و شرط به بازارهای کشورهای توسعه یافته، پیش‌بینی شد. بنابراین، باید دید که چه نیروهایی در کار بودند که این فرصتها از سوی کشورهای توسعه نیافته، نتوانست مورد استفاده قرار بگیرد و همچنین چه تضمینی وجود دارد که حتی اگر بهترین تصویر از گات و عضویت

همچنین، مشکلاتی که برای صدور کالاهای غیر نفتی وجود دارد، لازم است ابتدا، ساختار فعلی اقتصاد کشور را آن‌چنان که هست، بشناسیم و سپس، ببینیم که آیا با این ساختار، ضرورت دارد که وارد بازار بین‌المللی شویم و اقتصاد را به بیرون از مرزها ببریم یا این که کماکان در همین محدوده داخل، به حیات اقتصادی خود ادامه دهیم.

آقای مؤمنی :

این درست است که اقتصاد کشور، یک اقتصاد وابسته به نفت و بر پایه مصرف می‌باشد، اما در این رابطه دو سؤال مطرح می‌شود. سؤال اول این است که، آیا این اقتصاد وابسته به نفت و مصرفی، به طور تصادفی ایجاد شده یا با تکیه بر یک مجموعه از شواهد ایجاد شده است؟ می‌توان گفت : غفلتهایی (از قبیل غفلتی که در مورد پیوستن یا نپیوستن نیندیشیده ایران به گات می‌تواند تکرار شود) این مشکل را برای اقتصاد ایران، بوجود آورده است. سؤال دوم این که اگر کشور به سمت عضویت قطعی در گات پیش برود، مشکل وابستگی به نفت کشور حل خواهد شد؟

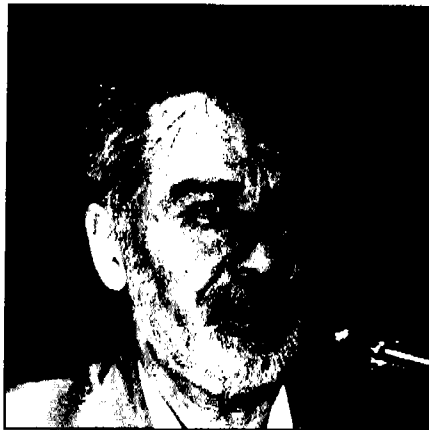
شواهدی از اقتصاد ایران، نشان می‌دهد که مسأله وابستگی اقتصاد ایران به نفت تصادفی نبوده است. مکانیزم‌های مشخص و شناخته شده‌ای وجود دارد، که در نهایت، اقتصاد ایران را به این شکل درآورده و این

برون گرایانه به سمت جلو حرکت کند.

چین، هند و ژاپن، نمونه‌ها و الگوهای خوبی برای ایران هستند و ما می‌توانیم از تجربیات آنها درس بگیریم. زمانی که ژاپن‌ها، در پایان جنگ جهانی دوم، مورد تهاجم اتمی آمریکا قرار گرفتند، احساسات و عواطف بین‌المللی بی‌نظیری به نفع آنها برانگیخته شد. ولی ژاپن به رغم این که همه نوع امتیاز در عرصه روابط بین‌المللی در اختیارش گذاشته بودند، تا اواسط دهه ۶۰ یعنی بیست سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم، حاضر به عضویت در گات نشد. چرا که، تواناییهای علمی و فنی در سطح کلان در حد رقابتی دیگر خودش نبود، خودش را درگیر در یک رقابت نابرابر نکرد چون که در مجموع زیان می‌دید. اما از سال ۱۹۶۴، تواناییها و قابلیت‌های لازم را بدست آورد و عضو شد.

در هند نیز به خاطر فقر گسترده و تکان‌دهنده‌ای که وجود داشت، یک نوع احساس ترحم بین‌المللی در مورد این کشور بود و همه با مسامحه با این کشور برخورد می‌کردند. اما همین کشور، به اعتبار آن بنیان کارشناسی قدرتمندی که داشت، تا اواخر دهه ۷۰ افراطی‌ترین سمت‌گیریهای حمایتی را در اقتصاد خودش، اعمال می‌کرد، به این دلیل که مادامی که این توانایی و قدرت ایجاد نشده بود، مواجهه با اقتصادهای قویتر به ضرر این کشور می‌شد. اما از اوایل دهه ۸۰ که به تدریج به سطحی از تواناییها دست یافت، کم‌کم به صورت اندیشیدیده، خود را درگیر تجارت بین‌الملل کرد.

چین نیز، ده سال است که تقاضای عضویت در گات را دارد و در همین فاصله اقتصاد کشورهای دیگری که سمت‌گیری کنترلی چین را داشتند و چه آنهایی که نداشتند، پذیرفته شدند. تصمیم‌گیری دبیرخانه گات در مورد عضویت کشورهایی، مانند: موزامبیک، سوازیلند، چکها و اسلواکیا و... خیلی سریع به نتیجه می‌رسد تعبیری که یکی از رهبران چین کرده بود؛ این بود که آمریکا، به طور علنی در قبال وارد شدن ما به گات، باج خواهی می‌کنند. چرا؟ چون هم آمریکا، به هم چین‌ها می‌دانند که تنها در چهارچوب قدرتمند بودن است که می‌توان از عضویت در گات سود برد. به همین دلیل است که چین که



دکتر بهکیش:

● در صنایع غذایی، کشور برتری دارد، باز هم دلیل D.R.C امروزه صنایع غذایی، در سطح ۸۰ تا ۸۵ درصد ظرفیت خود کار می‌کند و یکی از صادرکننده‌های عمده می‌باشد. فقط طی ۹ ماه گذشته صنایع غذایی ما ۷۵ میلیون دلار صادرات داشته‌است. در چنین زمان کوتاهی و این مهم است.

● باید از مواد غذایی شروع کرد و کشاورزی خود را نجات داد، روستاها را نیز نجات داد. کشورهای پیشرفته دیگر، مواد غذایی تولید نمی‌کنند، ولی ایران می‌تواند تولید کند و مازادش را صادر کند.

انقلابش در ۱۹۴۹ پیروز شد بیش از ۳۰ سال، کمترین تمایلی برای عضویت در گات نداشت و اکنون با دست یافتن به تواناییها و قابلیت‌های بسیار، تقاضای عضویت در گات را دارد.

اصولاً ما قائل به معایب ذاتی برای سمت‌گیری صادراتی نیستیم. اما صادرات اندیشیده، مسلماً به سود ما خواهد بود.

در بحثی تحت عنوان صورت و محتوی در مسائل اقتصادی ایران، در مورد سمت‌گیری

جایگزینی واردات به عنوان سمت‌گیری غالب در بخش صنعت توضیح داده‌ام که آنچه در ایران اجرا شد، بیش از آنچه که به لحاظ محتوایی ناظر بر سمت‌گیریهای جایگزینی واردات باشد ناظر بر توسعه واردات بوده‌است و مکانیزم‌هایی هم دارد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به چهارچوب تحولاتی که تا نیمه قرن بیستم در عرصه تقسیم کار بین‌المللی اتفاق افتاد). نقشی که شرکت‌های چند ملیتی در این زمینه داشتند، خیلی خوب نشان می‌دهد که در یک قالب سیاسی وابسته و در قالب یک سمت‌گیری، چهارچوب تئوریک آن، تحت عنوان توسعه وابسته تئوریزه می‌شود. گرچه به لحاظ صوری و در سطح شکل، با عنوان جایگزینی واردات و برای سیاست‌های اختیار شده بود، اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، توسعه صادرات بود.

در مورد گات و فلسفه وجودی هر یک از دوره‌هایی که تشکیل شده و تحولاتی که در توافق اولیه گات اتفاق افتاده است، دیده می‌شود که همواره، مصلحت‌ها و منافع کلیه قدرتمندان جهانی، محور اصلی و عمده تصمیم‌گیری در گات بوده و این سمت‌گیری تا امروز، هیچ تغییری نکرده است و شواهد متعددی این مسأله را ثابت می‌کند.

دکتر شاه‌رکنی:

در این فرصت کوتاه، امکان این که تصویری از ده سال قبل از انقلاب و سال‌های بعد از آن را بدهم، نیست و فقط چند آمار، از تجارت خارجی هست، که ارائه می‌شود.

ارزش کلی واردات در سال ۱۳۷۱ حدود ۲۹ میلیارد دلار بود که از ۱۲۰ کشور مختلف جهان وارد شده است: آلمان، ایتالیا و ژاپن ۴۶ درصد سهم را از این واردات داشتند. در واقع، عمده‌ترین تأمین کنندگان خارجی ما هستند (۴۶ درصد). مشخص است که باید به آلمان مارک، به ژاپن ین و به ایتالیا لیر ایتالیا پرداخت و هیچ‌کدام از اینها دلار نیست و درآمدهای ارزی کشور، همه از ناخیه نفت و فقط دلار است. با توجه به کاهش ارزش دلار در مقابل ین و مارک، ارزش کل کالاهای صادراتی غیر نفتی در همان سال، ۲/۸ میلیارد دلار بود، که کمتر از ۱/۸ کل واردات کشور می‌باشد. (۵۰ درصد ارزش صادرات، فقط

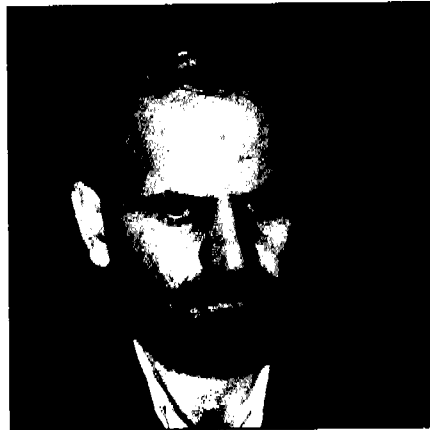
مربوط به دو قلم فرش و پسته بود که صادرات سنتی کشور می‌باشند و مهمترین بازارهای صادراتی ایران با سهمی بیش از ۵۳ درصد باز شامل آلمان، ترکیه، ایتالیا و دبی می‌شود. نکته مهم دیگر این که ۱۵ کشور اول تأمین کننده کالاهای وارداتی ایران، با سهمی حدود ۸۰ درصد، همگی عضو رسمی گات می‌باشند و همینطور دبی که به تنهایی ۶/۴ درصد از واردات کشور ما را تشکیل می‌دهد، عضو دو فاکتور گات است. در ضمن ۱۳ کشور عمده خریدار کالاهای ایرانی سهمی بیش از ۸۲ درصد دارند، که به جز امارات متحده عربی، همگی عضو گات هستند، البته منهای روسیه و چین، که سهمشان در این زمینه ۹/۵ درصد است. پنجاه درصد از کل واردات ایران، از کشورهای عضو اتحادیه اروپا تأمین می‌شود، که همگی عضو گات هستند.

در مورد عواملی که اقتصاد ما را به اینجا کشانده، می‌توان گفت: هر چه بوده به هر حال خیانت بوده، ندانم کاری بوده است. این واقعیت‌ها پیش روی ماست، این ترکیب صادرات، که یک دهم واردات است، درآمدهای ارزی ناشی از نفت که کمتر از ۱۳ یا ۱۴ میلیارد دلار است و نیز، ضرورت توسعه صادرات غیر نفتی و غیره.

دکتر بهکیش:

یکسری آمارهای جدید، در زمینه صادرات است که ارائه می‌شود. صادرات کشور، طی ۹ ماه اخیر، نسبت به سال گذشته کاهش داشته است. اگر صادرات را به دو بخش و صنعت را به دو دسته: صنایع فلزی و غیر فلزی تقسیم کنیم، صنایع غیر فلزی شامل: صنایع نساجی و غذایی و... می‌شود، که در این ۹ ماه، ۴ تا ۶۰ درصد افزایش داشته‌اند؛ بخصوص صنایع غذایی. صادرات صنایع غیر فلزی در ۹ ماه اول سال ۷۳، ۲۳۳ میلیون دلار بوده و در ۹ ماه اول سال ۷۴ تبدیل به ۳۰۶ میلیون دلار شده و جمع کل صادرات ما، در ۹ ماه اول امسال (۷۴)، ۵۴۰ میلیون دلار بوده است.

اما در صنعت، با توجه به این که در سال ۶۸ به دلیل مسأله جنگ و سایر مسائل دیگر... صنایع کشور ظرفیت پابینی داشتند و زیر ظرفیت کار می‌کردند، در سالهای ۶۹، ۷۰ و ۷۱ به برکت تزریق ارز به آن



آقای مؤمنی:

● در مورد گات و فلسفه وجودی هر یک از دوره‌هایی که تشکیل شده و تحولاتی که در توافق اولیه گات اتفاق افتاده است، دیده می‌شود که همواره مصلحتها و منافع کلیه قدرتمندان جهانی، محور اصلی و عمده تصمیم‌گیری در گات بوده و این سمت تا امروز هیچ تغییری نکرده است و شواهد متعددی این مسأله را ثابت می‌کند.

● تا زمانی که مشکلات کشور حل نشده‌اند و ایران به سطح متعارفی از تواناییها، در عرصه علوم و تکنولوژی دست نیافته است، ادغام در نظام اقتصاد بین‌المللی برای کشور نمی‌تواند در بردارنده منافع خاصی باشد.

صنعت مریض، به راه افتاد و ظرفیت بالا رفت (بررسی کردیم مشخص شد هر زمان به صنعتی ارز تعلق گرفت به راه می‌افتد، در غیر این صورت می‌خوابد) و نیز، حالا که ارز وجود ندارد، ظرفیت موجود صنایع ما به قرار زیر است: صنایع نساجی کشور بین ۳۰ تا ۳۵ درصد ظرفیت کار می‌کند. حدود ۱۴۰ واحد تولیدی

فرش ماشینی، فقط در کارشان به دلیل کمبود ارز تعطیل شده است.

چرا ۱۴۰ واحد در کارشان؟ زیرا در صنعت فرش ماشینی برتری نداریم. معیاری در اقتصاد است D.R.C domestic source cost که چون طبق این معیار عمل نشد و بدون دلیل، مجوز صادر شد (سیصد مجوز برای فرش ماشینی)، ۱۴۰ تا از این واحدها، در کارشان خوابیده است.

صنایع نساجی که متأسفانه از پنبه به الیاف روی آورده، مزیت خود را از دست داده است (زمانی ما صادرکننده پنبه بودیم، ۱۵۰ هزار تن پنبه صادر می‌کردیم)، به همین دلیل، توان رقابت در بازارهای بین‌المللی را ندارد و نمی‌تواند ایستادگی کند.

اما در صنایع غذایی، کشور برتری دارد، باز هم به دلیل D.R.C. امروزه صنایع غذایی، در سطح ۸۰ تا ۸۵ درصد ظرفیت خود کار می‌کنند یکی از صادرکننده‌های عمده می‌باشد. فقط طی ۹ ماه گذشته، صنایع غذایی ما ۷۵ میلیون دلار، صادرات داشته است. در چنین زمان کوتاهی و این مهم است.

زمانی در حضور یک مهمان خارجی و یکی از دولتمردان بحث صادرات بود. مهمان سوئدی از صادرات صنایع دستی تعریف می‌کرد. فرد ایرانی گفت: چیزی نیست، تقریباً ۱۰ میلیون دلار می‌شود. مهمان سوئدی در جواب او گفت: علت این است، که ارز مجانی دردست دارید و ارزش پول را نمی‌دانید. تا زمانی که ارزش پول را ندانید، صابر نخواهید کرد. سال گذشته واردات کشور ۱۲ میلیارد دلار بوده و اکنون واردات ما، ۱۰ میلیارد دلار است.

در صنایع سیمان نیز، برتری اقتصادی وجود دارد که با ظرفیت صد در صد کار می‌کند. از این رقمها، می‌توان نتیجه گرفت که صنایع ما، به دلیل این که دیگر ارز به آنها تعلق نمی‌گیرد و محدود شدند، دارند شکل می‌گیرند. صنایع غذایی کشور خوب رشد می‌کند و این باعث می‌شود، که کشاورزی نیز نجات پیدا کند. چون کشاورزی قبلاً از نیاز صنعت جدا بود و ارزش افزوده صنعت، به کشاورزی منتقل نمی‌شد. در صنایع نساجی، مشکل بیشتر است؛ تنها آن بخش از این صنعت که بتواند، از مواد اولیه داخلی استفاده کند، وضعیت خوبی پیدا خواهد کرد. البته به شرطی که،

دستیابی به بازار تحقق یابد.

با توجه به الگوی مصرف کشور (همه درخانه‌های ۱۵۰ متری زندگی می‌کنند، برق و آب دارند...)، درآمد سرانه هفتصد دلار بوده است، اما اکنون که درآمد سرانه، ۱۰۰ تا ۱۲۰ دلار شده، باید الگوی مصرف را تغییر داد (خانه‌ها را از ۱۰۰ و ۱۲۰ متری به ۲۰ متری تبدیل کرد، ماشینها را فراموش کرد، غذا را به طور متوسط به مصرف رساند). مسأله دوم این است که زمان و شرایط جهانی تغییر کرده است. تا این اواخر، حداکثر تا دور توکیو ۸۵ تا ۱۰۰ کشور عضو گات بوده‌اند، اما الآن با آنهایی که درانتظار عضویت هستند، تقریباً ۱۶۰ تا ۱۷۰ کشور، عضو گات هستند که بیش از ۹۵ درصد تجارت جهانی را در بر گرفته است. زمانی را که پیشینیان در اختیار داشتند ۱۰ سال، ۲۰ سال، ۳۰ سال، آن زمانها دیگر وجود ندارد، ضمن این که قدرت انطباق ما نیز کم است.

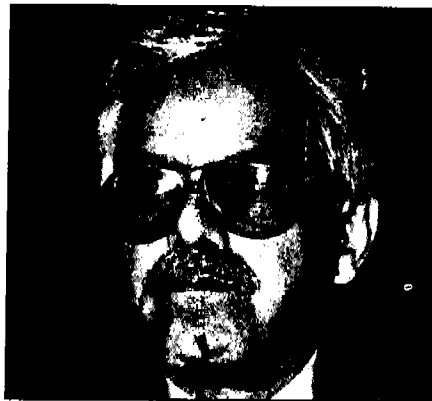
در اقتصاد می‌خوانیم که نمی‌توانیم تابع تولید (production) را خیلی سریع هماهنگ کرد، به همین دلیل نیز مشکلات پیش می‌آید. مسأله دیگر، این است که ما عضو بزرگی درجهان نیستیم، جمع مبادلات کشور ۱۰ میلیاردی و یا در امسال ۲۴ یا ۲۵ میلیارد دلار، در مقابل هشت هزار و چهارصد میلیارد دلار مبادلات جهانی است. چیزی کمتر از $\frac{1}{3}$ درصد، در حالی که سطح زمین ایران، یک درصد دنیا است و جمعیت آن، تقریباً $\frac{1}{10}$ جمعیت دنیاست.

باید از مواد غذایی شروع کرد و کشاورزی خود را نجات داد، روستاها را نیز نجات داد. کشورهای پیشرفته دیگر، مواد غذایی تولید نمی‌کنند، ولی ایران می‌تواند، تولید کند و مازادش را صادر کند.

اکنون رقبا پاکستان، ترکیه و هند هستند. بایستی با اینها در بازار رقابت کرد و به لحاظ این که اینها عضو گات هستند، به ما امتیاز خواهند داد. آنها عضو هستند و می‌توانند، جنس خود را ساده‌تر در بازار بفروشند، ولی ایران نمی‌تواند.

دکتر شاه‌رکنی :

تعدادی سؤال رسیده، که دسته‌بندی شده‌است و به آن پاسخ داده خواهد شد. اما لازم است به این نکته اشاره شود، که درآمد سرانه‌ای که مطرح شد، مثل این که در مقدارش سوء تفاهم شده‌است.



دکتر شاه‌رکنی

● با توجه به محدودیت درآمدهای نفتی و ضرورت پرداختن به صادرات غیر نفتی و همچنین مشکلاتی که برای صدور کالاهای غیر نفتی وجود دارد. لازم است ابتدا ساختار فعلی اقتصاد کشور را بشناسیم و ببینیم آیا با این ساختار ضرورت دارد وارد بازار بین‌المللی شویم و اقتصاد را به بیرون از مرزها ببریم یا این که کماکان در همین محدوده داخل به حیات اقتصادی خود ادامه دهیم.

دکتر بهکیش :

این مقدار فقط در آمد نفتی است، نه درآمد ارزی. صرفاً قدرت خرید در آمد سرانه، از محل نفت مطرح شد، نه درآمد کل ارزی.

دکتر شاه‌رکنی :

اشتباه شده‌است. به هر حال درآمد سرانه کشور از نظر دلاری بر اساس نرخ مؤثر دلار (Effective Range) هم ۷ تومانی، هم ۱۷۵ تومانی و هم بازار آزاد وهم ۳۰۰ تومانی منظور می‌شود، طبق آخرین محاسبه که تقریباً مورد تأیید صندوق بین‌المللی پول هم هست، بین ۹۵۰ تا ۱۰۰۰ دلار است و بعضی هزارو صد دلار را هم می‌پذیرند.

آقای مؤمنی :

فکر می‌کنم به خاطر محدودیت زمان، مطالب آن طور که باید، توضیح داده شود نشد و یک سوء

برداشت‌هایی رابه همراه داشته است که از سؤاها استنباط می‌شود. یکی از حضار، در سؤال خود این طور مطرح کرده‌اند که گویی، توصیه من، توصیه جهت‌گیری انزواگرایانه بوده و... که به هیچ وجه این طور نیست. مسأله این است که در شرایط نابرابری که به سمت رقابت با قویتر از خود می‌رویم، بدون شک، تحت تأثیر اراده و قدرت او قرار خواهیم گرفت و چون سمت گیری گات، همین می‌باشد، پس نمی‌تواند برای ما سودمند باشد. به همین لحاظ، تعمیر صادرات اندیشیده مطرح شد. به نظر من، صادرات غیر نفتی حسن بالذات ندارد و در مواردی آثار مخربش در زمینه کند کردن فرآیند توسعه ایران، از صادرات غیر نفتی هم بیشتر است. بنابراین، بحث بر سر این نیست که صادرات غیر نفتی در هر حال، پسندیده و قابل دفاع است. مطلب دیگر، در مورد الگوی مصرف ما می‌باشد، شدت وابسته است و نیاز به ارز دارد و تنها با درآمدهای نفتی امکان پذیر می‌باشد. در صادرات غیر نفتی نیز، همین رویه حاکم است. یعنی، اگر سهم نفت، از صادرات موجود غیر نفتی ایران حذف شود، تقریباً بیش از ۹۹ درصد صادراتی ایران، قابلیت امکان صدور خودشان را از دست می‌دهند.

برای حل مشکلات، باید آسیبهای ناشی از نظام بین‌المللی را در اقتصاد کشور به حداقل برسانیم، تواناییها را افزایش دهیم و به این نکته توجه داشته باشیم که فرصتهای باقیمانده برای ایران، برای آن که بتوانند، از موضع مستقل، مشکلات خودش را حل کند و موانع توسعه را برطرف کند، بسیار محدود است. همان طور که می‌دانید، در عرصه روابط بین‌المللی به هر میزان که قدرت سازمانهای بین‌المللی بیشتر می‌شود، میزان توانایی دولت و ملتها، برای اعمال اراده ملی به شدت کاهش پیدا می‌کند. بنابراین، اگر به موقع حرکت نکنیم و مشکلات اصلی را در مواضع اصلی خودش شناسایی و برطرف نکنیم، فرصتهای باقیمانده‌ای که وجود دارد را هم از دست خواهیم داد و در واقع، به شکل یک زایده، در نظام بین‌المللی درخواهیم آمد، که امیدوارم چنین اتفاقی نیفتد.

پایان قسمت اول